

# ارتقای گره راست: ساختاری ناهمگن در زبان فارسی

منصور شعبانی\*

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

پذیرش: ۹۲/۱۱/۲

دریافت: ۹۲/۷/۸

## چکیده

هدف از انجام این پژوهش، تبیین مناسب از ساختار ارتقای گره راست در زبان فارسی است. در پیشینه تحقیق مرتبط، سه تحلیل متفاوت از این ساختار پیشنهاد شده است که عبارت‌اند از: «ارتقای گره راست به‌منزله حاصل حرکت متوازی»، «ارتقای گره راست به‌منزله حاصل فرآیند حذف» و «ارتقای گره راست به‌منزله اشراف چندگانه». استدلال‌هایی مانند ناسازها به‌عنوان هدف ارتقای گره راست، عدم تبعیت از جزیره‌ها، تخطی از محدودیت سقف راست و عدم امکان حرکت برخی از سازه‌ها، نشان می‌دهند که ارتقای گره راست زبان فارسی حاصل عملکرد حرکت متوازی نیست. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ساختار ارتقای گره راست زبان فارسی همگن نیست و می‌توانیم این ساختار زبان فارسی را به دو گروه متفاوت تقسیم کنیم؛ بنابراین، برای تبیین آن به بیش از یک رویکرد نیاز داریم. استدلال‌هایی از قبیل مطابقت جمع، خوانش درونی صفات رابطه‌ای و سور «هریک»، نشان می‌دهند که برخی از نمونه‌های ارتقای گره راست حاصل اشراف چندگانه هستند و استدلال‌هایی از قبیل ناسازها به‌عنوان هدف ارتقای گره راست، نحوه مطابقت در برخی نمونه‌ها، برخی نمونه ساخت‌های نظارت و همسان نبودن هم‌پایه‌ها در قطبیت، نشان می‌دهند که برخی نمونه‌های دیگر حاصل عملکرد فرآیند حذف هستند.

واژگان کلیدی: ارتقای گره راست، حرکت متوازی، حذف، اشراف چندگانه، مطابقت.

## ۱. مقدمه

ساختار ارتقای گره راست<sup>۱</sup> (نمونه‌های ۱ و ۲) نخستین بار از سوی راس<sup>۲</sup> (1967) در چارچوب دستور زایشی مطرح شد و مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. شایان توجه است که راس از اصطلاح تقلیل پسرو هم‌پایگی<sup>۳</sup> در ارجاع به نمونه‌های ۱ و ۲ استفاده می‌کرد و نخستین بار پستال<sup>۴</sup>

دوماهنامه جستارهای زبانی  
شماره ۲، پیاپی ۳۳، خرداد و تیر ۱۳۹۴، صص ۱۵۱-۱۷۲

(1974) اصطلاح ارتقای گره راست را به کار برد.

۱. حسن به فوتبال، و برادرش به والیبال علاقه دارد.

۲. علی در زبان‌شناسی، و حمید در آموزش زبان رتبه نخست را کسب کردند.

در مثال ۱، فعل واقع در حاشیه راست همپایه نخست (علاقه داشتن) بازنمایی آوایی ندارد و این عدم بازنمایی به دلیل وجود قرینه آن در همپایه دوم است. فعل «علاقه دارد» عنصر مشترک بین همپایه‌ها به‌شمار می‌آید. تفاوت نمونه‌های بالا این است که در مثال ۱، تنها فعل فاقد بازنمایی آوایی است؛ در حالی که در مثال ۲، عنصر همجوار آن (رتبه نخست) نیز بازنمایی آوایی ندارد. در مثال ۱، تنها یک عنصر (فعل) عنصر مشترک بین همپایه‌ها است؛ در حالی که در مثال ۲، عنصر مشترک بین همپایه‌ها یک زنجیره (رتبه نخست را کسب کردند) است. همپایه‌ها در ساختار ارتقای گره راست، از عنصر یا زنجیره عناصر مشترکی برخوردارند که در راست‌ترین سوی جایگاه ساخت همپایگی بازنمایی می‌شوند.

در پیشینه مطالعات ارتقای گره راست، عنصر یا زنجیره عناصر مشترک در همپایه نخست که فاقد تجلی آوایی است، به هدف<sup>۱</sup> ارتقای گره راست و یا خلأ معروف است و قرینه آن در همپایه دوم، به مرجع خلأ یا هسته اصلی ارتقای گره راست<sup>۲</sup> مشهور است.

ساختار ارتقای گره راست بیشتر در صورت نوشتاری کاربرد دارد و وقوع آن در صورت گفتاری بسیار محدود است. آرایش غالب در صورت نوشتاری زبان فارسی آرایش SOV است و از آنجا که هدف ارتقای گره راست در حاشیه سمت راست همپایه نخست واقع است، می‌توانیم بگوییم که در ارتقای گره راست زبان فارسی، فعل در بیشتر موارد هدف ارتقای گره راست به‌شمار می‌رود و فاقد بازنمایی آوایی است.

در این مقاله، می‌کوشیم پس از مروری بر تحلیل‌های صورت‌گرفته در رابطه با ساختار ارتقای گره راست، تحلیلی از این ساختار در زبان فارسی ارائه دهیم. پرسش اصلی مقاله این است که آیا می‌توانیم تحلیلی واحد برای این ساختار زبان فارسی عرضه کنیم یا اینکه این ساختار در زبان فارسی انواع متفاوتی دارد و برای تبیین آن به بیش از یک رویکرد نیاز داریم.

فرضیه اصلی پژوهش این است که ساختار ارتقای گره راست در زبان فارسی انواع متفاوتی دارد و برای تبیین آن، دو رویکرد حذف و اشراف چندگانه لازم است. نخست در پیشینه پژوهش، تحلیل‌های صورت‌گرفته در رابطه با ساختار ارتقای گره راست را مرور می‌کنیم و سپس چند

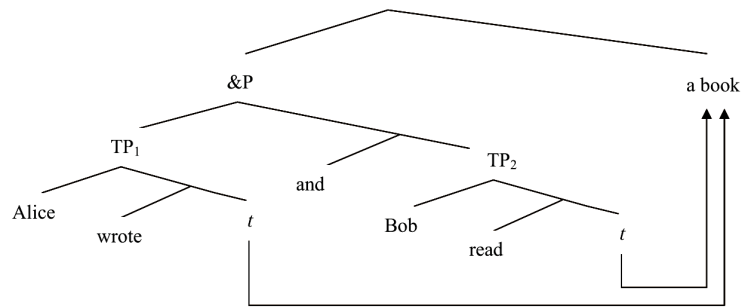
استدلال در رد تحلیل ارتقای گره راست به منزله حاصل حرکت متوازی مطرح می‌نماییم. در مرحله بعد، با ارائه استدلال‌هایی نشان می‌دهیم که دست‌کم برخی نمونه‌های ساختار ارتقای گره راست زبان فارسی حاصل اشراف چندگانه هستند و در نهایت، استدلال می‌کنیم که فرآیند حذف نیز در اشتقاق برخی نمونه‌های دیگر همین ساختار دخیل است. بخش پایانی این مقاله نیز به مبحث نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

## ۲. پیشینه تحقیق

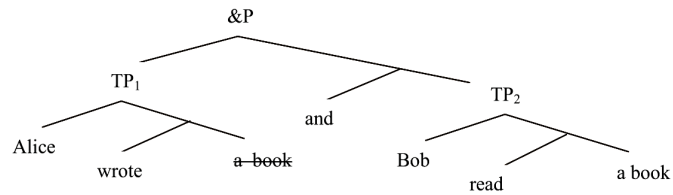
در پیشینه تحقیق مرتبط با ارتقای گره راست، سه نوع تحلیل در مورد این ساختار پیشنهاد شده است که عبارت‌اند از: «ارتقای گره راست به منزله حاصل حرکت متوازی»<sup>۸</sup>، «ارتقای گره راست به منزله حاصل فرآیند حذف»<sup>۹</sup> و «ارتقای گره راست به منزله اشراف چندگانه»<sup>۱۰</sup>. شایان توجه است که از تحلیل نخست به عنوان تحلیل در جای برون<sup>۱۱</sup> یاد می‌کنند؛ در صورتی که تحلیل‌های دوم و سوم به تحلیل‌های در جای اصلی<sup>۱۲</sup> معروف هستند. در تحلیل نخست که از سوی افرادی مانند راس (۱۹۶۷)، پستال (۱۹۹۸)، سباتک<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۷) و ... صورت گرفته، ادعا می‌شود که هدف یا عنصر مشترک در ساختار ارتقای گره راست، از طریق حرکت متوازی در سمت راست ساخت همپایگی افزوده می‌شود؛ به سخن دیگر، در یک ساختار ارتقای گره راست، در هر همپایه یک تصویر از هدف یا عنصر مشترک وجود دارد و هر دوی این تصاویر از طریق حرکت متوازی در سمت راست ساخت همپایگی افزوده می‌شوند. جان کلام تحلیل دوم که از سوی افرادی مانند وکسلر و کالیکاور<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۰)، هارتمن<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۰)، ها<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۷ & ۲۰۰۶)، اینجه<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۹) و ... ارائه شده، این است که در ساختار ارتقای گره راست، تصویر هدف یا عنصر مشترک در همپایه نخست به قرینه تصویر هدف یا عنصر مشترک در همپایه دوم حذف می‌شود. شایان توجه است که این حذف در صورت آوایی انجام می‌شود. برپایه تحلیل سوم که افرادی مانند مک‌کالی<sup>۱۸</sup> (۱۹۸۲)، وایلد<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۸ & ۱۹۹۹)، ابلز<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۴) و ... آن را طرح‌ریزی کرده‌اند، تنها یک تصویر از هدف یا عنصر مشترک در ساختار ارتقای گره راست وجود دارد که در هریک از همپایه‌ها تحت اشراف یک گره مادر قرار دارد. طبق این تحلیل که مفهوم اشتراک را القا می‌کند، در ساختار ارتقای گره راست، هدف یا عنصر مشترک در همپایه نخست ادغام<sup>۲۱</sup> و در همپایه دوم بازادغام<sup>۲۲</sup>

می‌شود. باروس و ویسنته<sup>۳۳</sup> (2011) براساس پیشینه تحقیق مرتبط، مثال زیر را در چارچوب تحلیل‌های اول، دوم و سوم و به ترتیب به صورت نمودارهای ۱، ۲ و ۳ بازنمایی کرده‌اند:

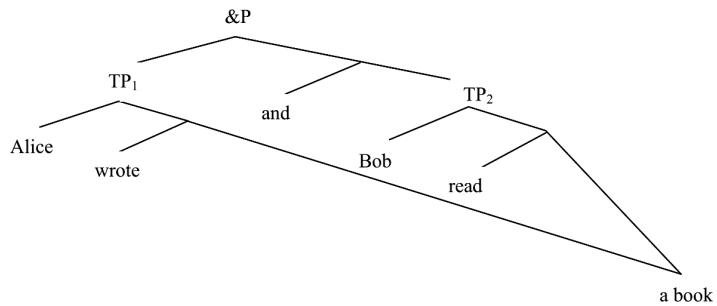
3. Alice wrote, and Bob read a book.



نمودار (۱)



نمودار (۲)



نمودار ۳

در پیشینه تحقیق مرتبط، بیشتر زبان‌شناسان به دنبال تحلیلی واحد برای ارتقای گره راست بوده‌اند و با استدلال‌های گوناگون کوشیده‌اند تحلیلی انجام دهند که تبیین مناسب‌تری از ساختار ارتقای گره راست ارائه دهد. در اثری متأخر، باروس و ویسنته (2011) نظریه التقاطی ارتقای گره راست<sup>۲۴</sup> را مطرح کرده‌اند و معتقدند که ساختار ارتقای گره راست زبان انگلیسی همگن نیست و به دو گروه تقسیم‌بندی می‌شود. یک گروه از این ساختار از طریق عملکرد حذف پسرو اشتقاق می‌یابد و گروه دیگر حاصل اشراف چندگانه است.

### ۳. چند استدلال در رد تحلیل ارتقای گره راست، به‌منزله حاصل حرکت متوازی

در این بخش، با استدلال‌هایی از قبیل ناسازها به‌عنوان هدف ارتقای گره راست، عدم تبعیت از جزیره‌ها، تخطی از محدودیت سقف راست و عدم امکان حرکت برخی از سازها، نشان می‌دهیم که فرآیند حرکت متوازی در اشتقاق ساختار ارتقای گره راست زبان فارسی دخیل نیست.

#### ۳-۱. ناسازها<sup>۲۵</sup> به‌عنوان هدف ارتقای گره راست

زبان‌شناسانی مانند ابات<sup>۲۶</sup> (1976)، وایلد (1995)، هارتمن (2000)، دومن<sup>۲۷</sup> (2003)، کلوک<sup>۲۸</sup> (2007)، وینگارد<sup>۲۹</sup> (2007)، اینجه (2009) و الزیدی<sup>۳۰</sup> (2010) استدلال کرده‌اند که ارتقای گره راست علاوه بر سازها<sup>۳۱</sup> می‌تواند ناسازها را نیز مورد هدف قرار دهد. در این بخش، با ارائه شواهدی نشان می‌دهیم که ارتقای گره راست زبان فارسی نیز از این ویژگی برخوردار است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

۴. علی در شهرداری، و حمید در فرمانداری کار می‌کند.

۵. مریم با اتوبوس، و سارا با قطار رفت.

۶. برخی تحلیلگران غربی معتقدند که تحریم‌ها بر اقتصاد، و تهدیدهای جنگی بر مردم یک کشور تأثیر می‌گذارند.

۷. در جشن نیما بهترین، و سعید بدترین لباس‌ها را پوشیده بودند.

در جملات ۴ و ۵، ارتقای گره راست بر سازها عمل کرده است؛ زیرا در این جملات، به‌ترتیب فعل‌های «کار می‌کند» و «تدریس می‌کند» که هریک، یک سازه نحوی را تشکیل می‌دهند هدف

ارتقای گره راست قرار گرفته‌اند. در مقابل، در جملات ۶ و ۷، ارتقای گره راست بر ناسازها عمل کرده است. در جمله ۶، فعل هم‌پایه نخست «تأثیر گذاشتن» به همراه هسته اضافه و متمم آن (-یک کشور) که بیش از یک سازه نحوی به‌شمار می‌آیند و از ترکیب آن‌ها نیز یک سازه نحوی واحد شکل نمی‌گیرد، مورد هدف ارتقای گره راست قرار گرفته‌اند. در مثال ۷، «لباس‌ها» و فعل «پوشیدن» در هم‌پایه نخست، تحت تأثیر ارتقای گره راست قرار گرفته‌اند که مجدداً بیش از یک سازه نحوی محسوب می‌شوند و از ترکیب آن‌ها نیز یک سازه نحوی واحد شکل نمی‌گیرد. اینکه در زبان فارسی ارتقای گره راست می‌تواند بر ناسازها نیز عمل کند، نشان می‌دهد که ارتقای گره راست حاصل حرکت متوازی تلقی نمی‌شود؛ زیرا فقط عناصری که یک سازه را تشکیل می‌دهند، می‌توانند حرکت کنند.

### ۲-۳. عدم تبعیت از جزیره<sup>۳۲</sup>

جزیره‌ها بافت‌هایی هستند که حرکت هر عنصری از درون آن‌ها به نادرستی شدن جمله منجر می‌شود. تبعیت یا عدم تبعیت از جزیره یکی از آزمون‌هایی است که برای تشخیص اینکه آیا در اشتقاق یک ساختار فرآیند حرکت دخیل است یا خیر، به‌کار می‌رود. بدیهی است اگر ساختاری از محدودیت‌های جزیره تبعیت نکند، می‌توانیم استدلال کنیم که آن ساختار حاصل حرکت نیست؛ اما اگر چنین تبعیتی وجود داشته باشد، فرآیند حرکت را می‌توانیم به‌عنوان یکی از فرضیه‌ها در مورد اشتقاق آن ساختار مطرح کنیم. در پیشینه تحقیق مرتبط عنوان شده است که ارتقای گره راست از بسیاری از جزیره‌ها تبعیت نمی‌کند (Abels, 2004; Bošković, 2004; Hartmann, 2000; Ross, 1967; Wexler and Culicover, 1980; Wilder, 1995; Neijt, 1979; Ann, 2007). برای بررسی ارتقای گره راست زبان فارسی در رابطه با تبعیت یا عدم تبعیت از جزیره‌ها، به جملات زیر دقت کنید:

۸. علی هم این واقعیت را قبول دارد (که) پدری که بچشو، و مردی که زنشو کتک بزند دیوانه است.

۹. برای علی سؤال است که کی رئیس‌جمهور، و برای مریم سؤال است که کی نخست‌وزیر می‌شود.

در جملات ۸ و ۹، به‌ترتیب جزیره گروه اسمی مرکب و جزیره پرسش‌واژه قرار دارد. در

جمله ۸، عنصر مشترک در هم‌پایه نخست در درون یک گروه اسمی و یا بند موصولی قرار دارد که جزیره محسوب می‌شود. عنصر مشترک در هم‌پایه نخست جمله ۹ نیز در درون جزیره پرسش‌واژه واقع شده است. در این جملات، خلأ در درون جزیره واقع شده است و نشان می‌دهد که ارتقای گره راست زبان فارسی از محدودیت‌های جزیره تبعیت نمی‌کند. این عدم تبعیت ارتقای گره راست از جزیره‌ها، نشان می‌دهد که این ساختار نمی‌تواند حاصل عملکرد حرکت متوازی باشد؛ بنابراین، عناصر مشترک در این جملات از درون جزیره خارج نشده‌اند.

### ۳-۳. محدودیت سقف راست<sup>۳۳</sup>

راس (۱۹۶۷) معتقد است که حرکت به سمت راست سازه‌ها از محدودیت خاصی تبعیت می‌کند که به محدودیت سقف راست<sup>۳۴</sup> معروف است. براساس این محدودیت، حرکت به سمت راست سازه‌ها بند-محدود<sup>۳۵</sup> است؛ به سخن روشن‌تر، حرکت به سمت راست سازه‌ها تنها در درون همان بندی مجاز است که آن سازه‌ها واقع شده‌اند و حرکت به خارج از آن بند مردود است:

۱۰. الف. این جایزه کتابی از رئیس دانشکده است.

ب. این جایزه کتابی با است از رئیس دانشکده؛

۱۱. الف. اینکه این جایزه کتابی از رئیس دانشکده است، جالب است.

ب. اینکه این جایزه کتابی با است از رئیس دانشکده؛ جالب است.

ج. \*اینکه این جایزه کتابی با است جالب است از رئیس دانشکده؛

در جملات «ب» مثال‌های بالا، گروه حرف اضافه‌ای از طریق عملکرد فرآیند پس‌اندازسازی<sup>۳۶</sup> از جایگاه وابسته پسین گروه اسمی به جایگاه پس از فعل منتقل شده است. از آنجا که این حرکت بند-محدود به‌شمار می‌آید و جایگاه اشتقاقی گروه حرف اضافه‌ای در درون همان بندی قرار دارد که جایگاه اولیه آن واقع شده است، این جملات خوش‌ساخت هستند. از سوی دیگر، در ۱۱-ج، تخطی از محدودیت سقف راست صورت پذیرفته است و فرآیند پس‌اندازسازی گروه حرف اضافه‌ای را به خارج از بندی که جایگاه اولیه آن بوده، انتقال داده است. بند-محدود نبودن این حرکت سبب نادرستی شدن جمله شده است. اکنون، پس از روشن شدن مفهوم محدودیت سقف راست، می‌خواهیم وضعیت ساختار ارتقای گره راست را در رابطه با محدودیت مزبور بررسی

کنیم. به مثال زیر که نمونه‌ای از ساختار ارتقای گره راست است، دقت کنید:

۱۲. مینا گفت که آقای احمدی، و مریم گفت که آقای یزدانی رئیس دانشکده می‌شود.

در مثال ۱۲، هریک از همپایه‌ها شامل دو بند هستند و عنصر مشترک (رئیس دانشکده می‌شود) به درونی‌ترین بند هر همپایه مربوط می‌شود. اگر ارتقای گره راست را حاصل عملکرد حرکت متوازی قلمداد کنیم، باید مثال ۱۲ را چنین تحلیل کنیم که عنصر مشترک (رئیس دانشکده می‌شود) همپایه‌ها از درونی‌ترین جایگاه هر همپایه حرکت کرده و به سمت راست ساخت همپایگی افزوده شده است. این تحلیل را می‌توانیم به صورت زیر نشان دهیم:

۱۳. [مینا گفت که آقای احمدی -]، و [مریم گفت که آقای یزدانی -] رئیس دانشکده می‌شود.

طبق این تحلیل، حرکت عنصر مشترک، بند- محدود محسوب نمی‌شود و این عنصر به خارج از بند خود انتقال یافته است؛ بنابراین، می‌توانیم بگوییم که در مثال ۱۳، تخطی از محدودیت سقف راست صورت گرفته است. پیش‌تر گفتیم که تخطی از محدودیت سقف راست به نادرستی شدن جملات منجر می‌شود. اگر ساختار ارتقای گره راست را حاصل فرآیند حرکت تلقی کنیم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که چرا با اینکه در مثال‌های ۱۱-ج و ۱۲ تخطی از محدودیت سقف راست صورت گرفته است، اولی نادرستی و دومی دستوری است. اگر بپذیریم که در اشتقاق ساختار ارتقای گره راست زبان فارسی، فرآیندی به جز حرکت و برای مثال فرآیند حذف دخیل است، پاسخگویی به پرسش مزبور لازم نیست؛ زیرا براساس تحلیل حذف، عنصر مشترک در درونی‌ترین بند همپایه نخست، به قرینه حذف شده است. با توجه به اینکه مثال ۱۲ با وجود تخطی از محدودیت سقف راست دستوری است، نتیجه می‌گیریم که در اشتقاق این جمله و به‌طور کلی در اشتقاق ساختار ارتقای گره راست زبان فارسی، فرآیند حرکت متوازی دخیل نیست و این ساختار حاصل عملکرد فرآیندی دیگر است.

#### ۳-۴. عدم امکان حرکت برخی از سازه‌ها

عدم امکان حرکت برخی از سازه‌ها را می‌توانیم به‌عنوان استدلالی دیگر در رد تحلیل ارتقای گره راست، به‌منزله حاصل عملکرد حرکت متوازی، به‌کار گیریم. همان‌طور که در مثال ۱۴ می‌بینیم، امکان جداسازی متمم پرسش‌واژه از پرسش‌واژه وجود ندارد:

۱۴. \*این اتفاق افتاد؛ من نمی‌دانم چرا؛†.



درمقابل، مثال زیر که نمونه‌ای از ارتقای گره راست زبان فارسی به‌شمار می‌آید، نشان می‌دهد که امکان جداسازی متمم پرسش‌واژه از پرسش‌واژه در ساختار ارتقای گره راست زبان فارسی، وجود دارد:

۱۵. علی نمی‌دونه کی، و مریم هم نمی‌دونه چطور/ونا/اومدند.

اینکه متمم پرسش‌واژه می‌تواند مورد هدف ارتقای گره راست قرار گیرد، به این معنی است که در اشتقاق ساختار ارتقای گره راست، فرآیند حرکت دخیل نیست؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، جداسازی متمم پرسش‌واژه از پرسش‌واژه مردود است. در صورت پذیرفتن تحلیل حرکت، تبیین ناستوری بودن مثال ۱۴ و دستوری بودن مثال ۱۵ غیرممکن است. رویکردهای دیگر، مانند رویکرد حذف، دستوری بودن مثال ۱۵ را تبیین می‌کنند؛ زیرا طبق این رویکرد، متمم پرسش‌واژه در هم‌پایه نخست حرکت نکرده است؛ یا حذف شده است و یا حاصل اشراف چندگانه است. بازنمایی این تحلیل طبق رویکرد حذف به‌صورت زیر است:

۱۶. [علی نمی‌دونه کی اونجا/اومدند] و [مریم هم نمی‌دونه چطور/ونا/اومدند].

#### ۴. چند استدلال در حمایت از تحلیل ارتقای گره راست، به‌منزله اشراف

##### چندگانه

اشراف چندگانه به‌عنوان یکی از تحلیل‌های ممکن ارتقای گره راست مطرح است. در این بخش، به ارائه چند استدلال در حمایت از این تحلیل خواهیم پرداخت. این استدلال‌ها عبارت‌اند از: مطابقت جمعی<sup>۳۷</sup>، خوانش درونی<sup>۳۸</sup> صفات رابطه‌ای<sup>۳۹</sup> و سور «هریک». این استدلال‌ها نشان می‌دهند که دست‌کم برخی از نمونه‌های ارتقای گره راست حاصل اشراف چندگانه هستند.

##### ۴-۱. مطابقت جمعی

مطابقت در ساختار ارتقای گره راست زبان فارسی به دو صورت متفاوت عمل می‌کند. صورت نخست این است که هرگاه عنصر مشترک بین هم‌پایه‌ها تنها سازه پایانی (در بیشتر موارد، فعل است) را شامل شود، مطابقت تنها بین فعل و فاعل هم‌پایه دوم صورت می‌گیرد:

۱۷. الف. حسن به دانشکده پزشکی، و برادرش به دانشکده فنی می‌رود.<sup>۴۰</sup>

ب. \* حسن به دانشکده پزشکی، و برادرش به دانشکده فنی می‌روند.

۱۸. الف. ما زبان آلمانی را، و علی زبان فرانسه را انتخاب کرد.

ب. \* ما زبان آلمانی را، و علی زبان فرانسه را انتخاب کردیم.

در جملات «الف» مثال‌های بالا، فعل تنها با فاعل همپایه دوم مطابقت کرده است و جملات خوش‌ساختی هستند؛ اما در جملات «ب»، مطابقت بین فعل و فاعل هر دو همپایه انجام شده است و همین امر باعث نادرستی بودن آن‌ها شده است.

درمقابل، صورت دوم این است که اگر عناصر مشترک بین همپایه‌ها علاوه بر فعل، عناصر هم‌جوار آن را نیز شامل شود، فعل با فاعل هر دو همپایه مطابقت می‌کند و در نتیجه به صورت جمع ظاهر می‌شود.

۱۹. الف. تیم اسپانیا با پیروزی بر آلمان، و تیم هلند با پیروزی بر اروگوئه به فینال جام جهانی ۲۰۱۰ راه یافتند.

ب. \* تیم اسپانیا با پیروزی بر آلمان، و تیم هلند با پیروزی بر اروگوئه به فینال جام جهانی ۲۰۱۰ راه یافت.

۲۰. الف. رئیس شرکت در مسائل مالی، و معاونش در مسائل علمی به علی کمک می‌کنند.

ب.؟؟ رئیس شرکت در مسائل مالی، و معاونش در مسائل علمی به علی کمک می‌کند.

در جملات «الف» مثال‌های بالا، فعل واقع در سمت راست‌ترین جایگاه ساخت همپایگی با فاعل هر دو همپایه مطابقت کرده است و همان‌طور که جملات «ب» نشان می‌دهند، مطابقت فعل تنها با فاعل همپایه دوم یا به بیانی دیگر، صورت مفرد فعل، سبب نادرستی شدن جمله می‌شود.<sup>۱</sup> تفاوت مثال‌های ۱۷-۱۸ و ۱۹-۲۰ در نحوه مطابقت این است که در مثال‌های ۱۷-۱۸ تنها فعل عنصر مشترک بین همپایه‌ها است؛ درحالی که در مثال‌های ۱۹-۲۰، فعل به همراه یک سازه دیگر به عنوان عناصر مشترک همپایه‌ها ایفاگر نقش هستند.

صورت نخست نشان می‌دهد که ساختار ارتقای گره راست از عملکرد فرآیند حذف مشتق می‌شود. تحلیل اشراف چندگانه نمی‌تواند این‌گونه مطابقت را تبیین کند؛ زیرا طبق تحلیل اشراف چندگانه فعل متعلق به هر دو همپایه است و ازاین‌رو، باید با فاعل هر دو همپایه مطابقت کند. مثال‌های ۱۷-۱۸ نشان می‌دهند که این‌گونه نیست. علاوه بر این، حرکت متوازی نیز از تبیین

این‌گونه مطابقت عاجز است. حرکت متوازی همواره دو عنصر یکسان را به یک جایگاه واحد منتقل می‌کند. از مثال ۱۷ نمی‌توانیم به‌عنوان شاهد برای رد تحلیل حرکت متوازی بهره بگیریم. دلیل اول این است که می‌توانیم ادعا کنیم که در این مثال، نخست فعل هر هم‌پایه با فاعل موجود در هم‌پایه خود مطابقت کرده است و در نتیجه در هریک از هم‌پایه‌ها یک گونه از فعل «می‌رود» وجود داشته است و این، شرایط را برای عملکرد حرکت متوازی فراهم کرده است و این قاعده نیز این دو عنصر یکسان را از جایگاه‌های پایانی هم‌پایه اول و دوم حرکت داده و در یک جایگاه واحد و مشخصاً در جایگاه پایانی ساخت هم‌پایگی قرار داده است. در این حالت، فعل «می‌رود» در این جمله نه در جایگاه پایانی هم‌پایه دوم، بلکه در جایگاه پایانی ساخت هم‌پایگی قرار دارد. دلیل دوم این است که می‌توانیم ادعا کنیم که در هریک از هم‌پایه‌ها یک گونه از فعل «می‌رود» وجود دارد و فعل هم‌پایه نخست به قرینه حذف شده است. تنها راهکار برای کشف اینکه در اشتقاق جملات ۱۷-۱۸ حرکت متوازی دخیل است یا نه، این است که از دو فاعل متفاوت به‌لحاظ شخص و شمار (مفرد و جمع) در هم‌پایه‌ها استفاده شود. در مثال ۱۸، این راهکار به‌کار رفته است. در این مثال، فعل در هم‌پایه نخست صورت «انتخاب کردیم» دارد؛ درحالی که در هم‌پایه دوم، فعل صورت «انتخاب کرد» دارد. در این حالت، شرایط برای عملکرد حرکت متوازی فراهم نیست؛ زیرا عناصر پایانی هم‌پایه‌ها دقیقاً یکسان نیستند. به این ترتیب، می‌توانیم بگوییم که جملات ۱۷-۱۸ حاصل عملکرد حرکت متوازی نیز نیستند. تنها تحلیل حذف می‌تواند نحوه مطابقت در مثال‌های ۱۷-۱۸ را تبیین کند؛ زیرا طبق این تحلیل، فعل در هم‌پایه اول حذف شده و قرینه آن در هم‌پایه دوم دارای صورت آوایی است و طبیعتاً با فاعل هم‌پایه دوم مطابقت می‌کند.

درمقابل، صورت دوم نشان می‌دهد که ساختار ارتقای گره راست حاصل اشراف چندگانه است. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، طبق رویکرد اشراف چندگانه، عناصر مورد هدف ارتقای گره راست به هر دو هم‌پایه متعلق هستند و فعل در جایگاه پایانی قاعده‌تاً باید با فاعل هر دو هم‌پایه مطابقت کند. مثال‌های ۱۹-۲۰ نشان می‌دهند که این‌گونه است.

نتایج بررسی شیوه مطابقت در ساختار ارتقای گره راست نشان می‌دهد که این ساختار در زبان فارسی همگن نیست و به دو گروه تقسیم می‌شود. یک گروه از این ساختار از طریق عملکرد حذف پسرو اشتقاق می‌یابند و گروهی دیگر حاصل اشراف چندگانه هستند.

## ۲-۴. خوانش درونی صفات رابطه‌ای

یکی از استدلال‌های مهمی که در حمایت از تحلیل ارتقای گره راست به‌منزله اشراف چندگانه ارائه شده است، خوانش درونی صفات رابطه‌ای است که از سوی باروس و ویسنته (2011) مطرح شده است. به عقیده آن‌ها، صفات رابطه‌ای، از قبیل «متفاوت» (مختلف)، «شبییه»، «یکسان» و ...، خوانش درونی و برونی<sup>۴۲</sup> دارند. به مثال زیر توجه کنید:

۲۱. سارا و مریم از راهکارهای متفاوتی بهره می‌گیرند.

الف. خوانش درونی: راهکارهای سارا متفاوت با راهکارهای مریم است.

ب. راهکارهای سارا و مریم متفاوت با راهکارهای دیگر است.

شایان توجه است که این دو خوانش از توزیع یکسانی برخوردار نیستند. حضور خوانش برونی همواره فراهم است؛ اما امکان خوانش درونی در صورتی فراهم می‌شود که عبارت اسمی در بردارنده صفت رابطه‌ای بتواند بر یک سور توزیعی<sup>۴۳</sup> یا عناصری با مفهوم جمع سیطره<sup>۴۴</sup> داشته باشد (Barros and Vicente, 2011 به نقل از Carlson, 1987).

۲۲. الف. سارا از راهکارهای متفاوتی بهره می‌گیرد (\* خوانش درونی / خوانش برونی).

ب. هر دانشجویی از یک راهکار متفاوت بهره می‌گیرد (خوانش درونی / خوانش برونی).

ج. دانشجویان از راهکارهای متفاوتی بهره می‌گیرند (خوانش درونی / خوانش برونی).

در مثال بالا، جمله «الف» از خوانش برونی برخوردار است؛ اما خوانش درونی ندارد و با علامت ستاره نشان داده شده است. در مقابل، جملات «ب» و «ج» دارای هر دو خوانش درونی و برونی هستند؛ زیرا در این جملات، صفت رابطه‌ای می‌تواند به‌ترتیب بر یک سور توزیعی و یک عنصر با مفهوم جمع سیطره داشته باشد.

باروس و ویسنته به نقل از جکنداف<sup>۴۵</sup> (1977) بیان می‌کنند که صفات رابطه‌ای موجود در ساختار ارتقای گره راست می‌توانند دارای خوانش درونی باشند؛ حتی اگر در هیچ‌یک از هم‌پایه‌ها یک اسم جمع و یا به‌طور کلی مفهوم جمع قرار نداشته باشد. به مثال زیر توجه کنید:

۲۳. سارا در زمینه آموزش، و مریم در زمینه پژوهش از راهکارهای متفاوتی بهره می‌گیرند

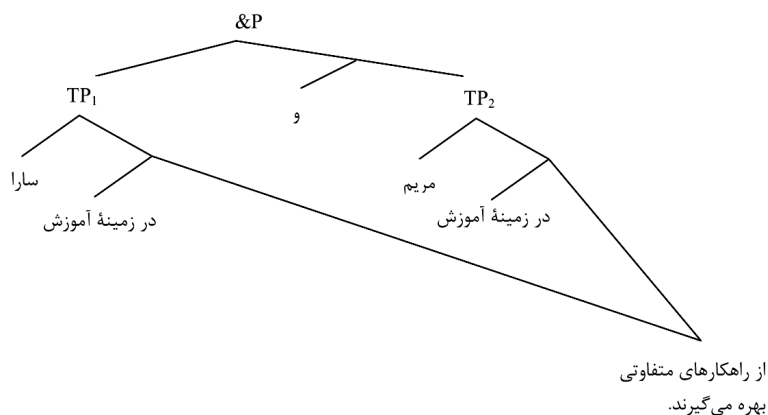
(خوانش درونی / خوانش برونی).

مثال ۲۳ که نمونه‌ای از ساختار ارتقای گره راست است، هم خوانش درونی دارد و هم

خوانش برونی. گرچه رویکرد حذف می‌تواند خوانش برونی مثال ۲۳ را تبیین کند، از تبیین خوانش درونی این مثال عاجز است؛ زیرا مثال زیر که دروندادی برای عملکرد قاعده حذف است، خوانش درونی ندارد:

۲۴. سارا درزمینه آموزش از راهکارهای متفاوتی بهره می‌گیرد، و مریم درزمینه پژوهش از راهکارهای متفاوتی بهره می‌گیرد (\* خوانش درونی).

عدم حضور خوانش درونی در مثال ۲۴، نشان می‌دهد که این جمله نمی‌تواند زیرساخت جمله ۲۳ باشد و از طریق عملکرد فرآیند حذف، جمله ۲۳ حاصل شده باشد؛ زیرا اگر جمله ۲۴ زیرساخت جمله ۲۳ باشد، باید جمله ۲۳ نیز فاقد خوانش درونی باشد که این‌گونه نیست. حضور خوانش درونی در ساختار ارتقای گره راست نشان می‌دهد که فرآیند اشراف چندگانه در اشتقاق این ساختار دخیل است و در مثال ۲۳، عبارت «از راهکارهای متفاوتی بهره می‌گیرند» به هر دو هم‌پایه تعلق دارد و تحت اشراف یک گره در هم‌پایه نخست و یک گره در هم‌پایه دوم قرار دارد. شیوه مطابقت فعل که در بخش پیشین مفصل به آن پرداختیم، نشان می‌دهد که این جمله حاصل عملکرد حرکت متوازی هم نیست. بازنمایی این جمله طبق رویکرد اشراف چندگانه، به‌صورت زیر است<sup>۶</sup>:



نمودار ۴

### ۳-۴. سور<sup>۴۷</sup> «هریک»

باروس و ویسنته (2011) با بهره‌گیری از سور «هریک»، استدلال مهم دیگری را در حمایت از تحلیل ساختار ارتقای گره راست به‌منزله اشرف چندگانه ارائه می‌دهند. همانند خوانش درونی صفات رابطه‌ای، سور «هریک» نیز نیازمند حضور عناصری با مفهوم جمع است که می‌توانند به‌صورت توزیعی تعبیر شوند.

۲۵. الف. دانشجویان هریک، یک مقاله خوانده‌اند.

ب. سارا و مریم هریک، یک مقاله خوانده‌اند.

ج. \* سارا هریک، یک مقاله خوانده است.

جملات بالا نشان می‌دهند که سور «هریک» نیازمند حضور مفهوم جمع است. عدم احراز این شرط در جمله ۲۵- ج سبب نادرستی شدن این جمله شده است. مثال زیر نشان می‌دهد که حضور سور «هریک» در عنصر مشترک ارتقای گره راست (هریک پیشرفت‌های قابل توجهی داشتند) مجاز است؛ حتی اگر در هیچ‌یک از هم‌پایه‌ها یک اسم جمع و یا به‌طور کلی، مفهوم جمع قرار نداشته باشد:

۲۶. سارا درزمینه آموزش زبان، و مریم درزمینه زبان‌شناسی، هر یک پیشرفت‌های قابل توجهی داشته‌اند.

جمله بالا، حاصل اشرف چندگانه است و عبارت «هریک پیشرفت‌های قابل توجهی داشته‌اند» تحت اشرف یک گره در هم‌پایه اول و یک گره در هم‌پایه دوم قرار دارد. این جمله نمی‌تواند حاصل عملکرد فرآیند حذف باشد؛ زیرا مثال زیر که دروندادی برای عملکرد قاعده حذف است، نادرستی است.

۲۷. \* سارا هریک درزمینه آموزش زبان پیشرفت قابل توجهی داشته است و مریم هریک درزمینه زبان‌شناسی پیشرفت قابل توجهی داشته است.

اگر جمله ۲۶ از جمله ۲۷ مشتق شده باشد، انتظار می‌رود که جمله ۲۷ نیز دستوری باشد که این‌گونه نیست. این جمله نمی‌تواند حاصل عملکرد حرکت متوازی نیز باشد؛ زیرا حرکت متوازی همواره دو عنصر یکسان را به یک جایگاه واحد منتقل می‌کند و از این رو، دروندادی برای عملکرد این حرکت وجود ندارد. تنها دروندادی که می‌توانیم برای عملکرد حرکت متوازی متصور شویم، مثال ۲۷ است که آن نیز نادرستی است.<sup>۴۸</sup>

## ۵. چند استدلال در حمایت از تحلیل ارتقای گره راست، به‌منزله حاصل فرآیند حذف

در بخش‌های پیشین، تلویحاً دو استدلال در حمایت از تحلیل ارتقای گره راست، به‌منزله حاصل فرآیند حذف مطرح کردیم. استدلال نخست (در بخش ۳-۱) این بود که ارتقای گره راست در زبان فارسی علاوه بر سازه‌ها، می‌تواند ناسازه‌ها را نیز مورد هدف قرار دهد. این ویژگی نمایانگر عملکرد فرآیند حذف در اشتقاق برخی از نمونه‌های ساختار ارتقای گره راست است. استدلال دوم (در بخش ۴-۱) این بود که در ساختار ارتقای گره راست، هرگاه عنصر مشترک بین همپایه‌ها تنها سازه پایانی (در بیشتر موارد، فعل است) را شامل شود، مطابقت تنها بین فعل و فاعل همپایه دوم صورت می‌گیرد. در اشتقاق این نمونه‌ها نیز فرآیند حذف دخیل است. افزون‌بر این موارد، استدلال‌های دیگری نیز می‌توانیم در حمایت از تحلیل ارتقای گره راست، به‌منزله حاصل فرآیند حذف مطرح کنیم که در بخش‌های زیر به چند مورد می‌پردازیم.

### ۱-۵. نظارت<sup>۴۹</sup>

به‌عقیده ان (2007) و اینجه (2009)، برخی از نمونه ساخت‌های نظارت نشان می‌دهند که ساختار ارتقای گره راست حاصل عملکرد فرآیند حذف است. در این نمونه‌ها، یک ضمیر انتزاعی (PRO) در هدف یا عناصر مشترک ساختار ارتقای گره راست قرار دارد که توسط دو گروه اسمی (گروه حرف تعریف) نظارت می‌شود که در همپایه‌های اول و دوم قرار دارند. رویکرد اشراف چندگانه نمی‌تواند این نمونه‌ها را تبیین کند. به مثال زیر که به چنین نمونه‌هایی تعلق دارد، توجه کنید:

۲۸. الف. علی از رئیس دانشکده، اما مریم از مدیر گروه خواهش کرد که به مسئله رسیدگی کند.

در مثال بالا، در عناصر مشترک همپایه‌ها یک ضمیر انتزاعی قرار دارد و مفعول حرف اضافه هریک از همپایه‌ها به‌طور هم‌زمان آن را نظارت می‌کنند. رویکرد اشراف چندگانه نمی‌تواند این نمونه را تبیین کند؛ زیرا در صورت پذیرفتن عملکرد اشراف چندگانه در اشتقاق این نمونه، تنها یک ضمیر انتزاعی در ساختار وجود خواهد داشت؛ حتی اگر دو ناظر<sup>۵۰</sup> مجزا داشته باشد. این تحلیل دچار اشکال اساسی است؛ زیرا صورت مفرد فعل نشان می‌دهد که یک ضمیر انتزاعی مفرد در

ساختار حضور دارد؛ از این رو، این ضمیر نمی‌تواند دو ناظر مجزا داشته باشد. درمقابل، با توسل به رویکرد حذف می‌توانیم این جمله را تبیین کنیم؛ بدین صورت که هریک از همپایه‌ها را یک ساخت نظارت مجزا در نظر بگیریم که بخشی از این ساخت نظارت که خود ضمیر انتزاعی نیز در آن واقع شده است، به قرینه حذف شده است. بازنمایی این تحلیل به صورت زیر است:

۲۹. علی از رئیس دانشکده؛ خواهش کرد که  $PRO_i$  به مسئله رسیدگی کند؛ اما مریم از مدیر گروه؛ خواهش کرد که  $PRO_j$  به مسئله رسیدگی کند.<sup>۱۰</sup>

شایان توجه است که در مثال‌های مشابه زبان فارسی، اگر حرف ربط همپایگی «و» باشد، تفاوت‌های چشمگیری مشاهده می‌شود:

۳۰. الف. علی از رئیس دانشکده، و مریم از مدیر گروه خواهش کردند که به مسئله رسیدگی کنند.  
 ب. ؟ علی از رئیس دانشکده، و مریم از مدیر گروه خواهش کرد که به مسئله رسیدگی کند.  
 نگارنده در مورد دستوری یا نادرستی بودن جملات ۳۰-الف و ۳۰-ب، قضاوت گویشوران متعددی را جویا شد. بیشتر گویشوران معتقد هستند که هر دوی این جملات دستوری هستند؛ اما آن‌ها در گفتار و نوشتار خود جمله ۳۰-الف را به ۳۰-ب ترجیح می‌دهند. جمله ۳۰-ب همانند جمله ۲۸ است و همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، این نوع جملات نمایانگر عملکرد فرآیند حذف در اشتقاق ساختار ارتقای گره راست هستند؛ اما برای تبیین جمله ۳۰-الف باید از رویکرد اشراف چندگانه بهره بگیریم، نه از رویکرد حذف. حضور فعل جمع در این جمله نشان می‌دهد که یک ضمیر انتزاعی جمع در این ساختار قرار دارد که توسط دو گروه اسمی (گروه حرف تعریف) که در همپایه‌های اول و دوم قرار دارند، نظارت می‌شود. این تحلیل را می‌توانیم به صورت زیر بازنمایی کنیم:

۳۱. علی از رئیس دانشکده؛ و مریم از مدیر گروه؛ خواهش کردند که  $PRO_{ij}$  به مسئله رسیدگی کنند.

## ۲-۵. همسان نبودن همپایه‌ها در قطبیت<sup>۱۱</sup>

در برخی از نمونه‌های ساختار ارتقای گره راست، به لحاظ قطبیت همپایه نخست منفی است؛ اما



هم‌پایهٔ دوم مثبت یا بالعکس. این ویژگی بیشتر در فعل نمایان است که در بیشتر موارد به‌عنوان سازهٔ پایانی جمله نقش ایفا می‌کند. به جملهٔ ۳۲- ب که پاسخی برای پرسش ۳۲- الف است، توجه کنید:

۳۲. الف. علی و حمید درس‌های این ترمشونو پاس کردند؟

ب. علی هیچ‌کدومشونو؛ اما حمید یکی دو تا رو پاس کرد.

جملهٔ ۳۲- ب نمونه‌ای از ساختار ارتقای گره راست است. در این جمله، یک عنصر قطبی منفی (هیچ‌کدوم) قرار دارد که مستلزم حضور فعل منفی است؛ از این رو، تنها جملهٔ زیر می‌تواند زیرساخت جملهٔ ۳۲- ب باشد:

۳۳. علی هیچ‌کدومشونو پاس نکرد؛ اما حمید یکی دو تا رو پاس کرد.

جملهٔ ۳۲- ب نمی‌تواند حاصل عملکرد حرکت متوازی باشد؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، حرکت متوازی همواره دو عنصر یکسان را به یک جایگاه واحد منتقل می‌کند؛ یعنی همسانی عناصر پایانی برای عملکرد حرکت متوازی الزامی است. در جملهٔ ۳۲- ب، عناصر پایانی هم‌پایه‌ها همسان نیستند؛ از این رو، امکان عملکرد حرکت متوازی وجود ندارد. این عدم همسانی و همچنین مطابقت فعل واقع در جایگاه پایانی این ساختار تنها با فاعل هم‌پایهٔ دوم نشان می‌دهد که این جمله حاصل اشراف چندگانه نیز نیست. تنها رویکرد باقی‌مانده، رویکرد حذف است که می‌تواند این جمله را تبیین کند. طبق این رویکرد، سازهٔ پایانی هم‌پایهٔ نخست به قرینه حذف شده است. هم‌پایهٔ نخست، باوجود حذف فعل، کماکان منفی است؛ زیرا عنصر قطبی منفی «هیچ‌کدوم» معنای نفی را القا می‌کند.

## ۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، با ارائهٔ استدلال‌های گوناگون نشان دادیم که ارتقای گره راست زبان فارسی حاصل عملکرد حرکت متوازی نیست. همچنین، ساختار ارتقای گره راست زبان فارسی همگن نیست و به دو گروه عمده تقسیم می‌شود؛ بنابراین، برای تبیین آن نیز باید از دو رویکرد بهره بگیریم. استدلال‌هایی از قبیل مطابقت جمعی، خوانش درونی صفات رابطه‌ای و سور «هریک» نشان می‌دهند که برخی از نمونه‌های ارتقای گره راست حاصل اشراف چندگانه هستند. از سوی دیگر، استدلال‌هایی از قبیل ناسازها به‌عنوان هدف ارتقای گره راست، نحوهٔ مطابقت در برخی نمونه‌ها،



برخی نمونه ساخت‌های نظارت و همسان نبودن هم‌پایه‌ها در قطبیت، نمایانگر عملکرد فرآیند حذف در اشتقاق برخی از نمونه‌های دیگر است.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. Right Node Raising (RNR)
2. Ross
3. backward conjunction reduction
4. Postal
۵. برای پرهیز از خلط واژگان تخصصی، جهت خط فارسی در تجزیه و تحلیل داده‌ها از سمت چپ به راست در نظر گرفته شده است.
6. target
7. RNR Pivot
8. Across-the-Board movement (ATB movement)
9. ellipsis/ deletion
10. multiple dominance
11. ex-situ analysis
12. in-situ analysis
13. Sabbagh
14. Wexler and Culicover
15. Hartmann
16. Ha
17. Ince
18. McCawley
19. Wilder
20. Abels
21. merge
22. remerge
23. Barros and Vicente
24. an eclectic theory of right node raising
25. non-constituents
26. Abbott
27. Duman
28. Kluck
29. Wyngaerd
30. Alzaidi
31. constituents
32. Island insensitivity
33. Right-Roof Constraint (RRC)

- 34. the right roof constraint
- 35. clause-bound
- 36. extra position
- 37. cumulative agreement
- 38. internal reading
- 39. relational adjective

۴۰. غلامرضا ارژنگ این مثال را در صفحه ۸۹ کتاب *ویرایش زبانی: برای زبان نوشتاری فارسی امروز* آورده است.

این نتیجه را نمی‌توانیم با اطمینان به افعال ربطی نیز تعمیم دهیم؛ زیرا در مورد افعال ربطی، این محدودیت پیچیده‌تر به نظر می‌رسد و دست یافتن به یک تعمیم را دشوار می‌کند. به مثال‌های زیر دقت کنید:

الف. استان اردبیل سردترین، و استان خوزستان گرم‌ترین استان کشور است / \* هستند.

ب. استان اردبیل سردترین، و استان خوزستان گرم‌ترین استان‌های کشور هستند / \* است.

در مثال «الف»، با اینکه فعل و عنصر هم‌جوار آن به‌عنوان عناصر مشترک هم‌پایه‌ها ایفاگر نقش هستند، مطابقت تنها بین فعل و فاعل هم‌پایه دوم صورت می‌گیرد و مطابقت بین فعل و فاعل هر دو هم‌پایه باعث نادرستی شدن جمله می‌شود. در مثال «ب»، نه صورت جمع واژه «استان» به‌کار رفته است، نه صورت مفرد آن؛ به همین دلیل، فعل واقع در جایگاه پایانی، به‌صورت جمع به‌کار رود. شاید برای حل این مسئله و دست یافتن به یک تعمیم لازم باشد در نتیجه مطرح‌شده در این بخش، به‌جای واژه «فعل»، از واژه «محمول» استفاده کنیم و فرض کنیم که اگر عنصر مشترک بین هم‌پایه‌ها تنها محمول جمله باشد، مطابقت تنها بین فعل و فاعل هم‌پایه دوم صورت می‌گیرد و اگر عناصر مشترک بین هم‌پایه‌ها علاوه‌بر محمول شامل عناصر هم‌جوار آن نیز شود، فعل با فاعل هر دو هم‌پایه مطابقت می‌کند. از آنجا که فعل ربطی یک محمول به‌شمار نمی‌آید، محدودیت مزبور بر آن حاکم نیست. می‌توانیم ادعا کنیم که در جمله الف، «استان کشور» محمول جمله است و از آنجا که در این ساختار، تنها محمول عنصر مشترک بین هم‌پایه‌ها است، تنها مطابقت بین فعل و فاعل هم‌پایه دوم صورت گرفته است. البته این فرضیه را هنوز نمی‌توانیم با قاطعیت تأیید یا رد کنیم. این مسئله پژوهش بیشتری را برای رسیدن به یک تعمیم واحد می‌طلبد. تفاوت بین جملات «الف» و «ب» نیز نیازمند تبیین است. از آنجا که این مسئله در چارچوب این مقاله نمی‌گنجد، آن را به پژوهش‌های آتی موکول می‌کنیم.

- 42. external reading
- 43. distributive quantifier
- 44. scope
- 45. Jacken doff

۴۶. در این نمودار درختی، از بازنمایی جزئیات ساختار به‌دلیل عدم ارتباط آن‌ها به بحث حاضر خودداری

کردیم.

#### 47. Quantifier

۴۸. باروس و ویسنته (2011) نیز دو استدلال در رد دخیل بودن حرکت متوازی در اشتقاق جملاتی مانند جملهٔ ۲۶ ارائه می‌کنند که برای پرهیز از طولانی شدن کلام، از پرداختن به آن‌ها در این مقاله خودداری می‌کنیم. خوانندهٔ علاقه‌مند برای استدلال‌های بیشتر می‌تواند به مقالهٔ این نویسندگان رجوع کند.

#### 49. control

#### 50. controller

۵۱. همزاد این مثال که در آن فعل واقع در عنصر مشترک بین هم‌پایه‌ها صورت جمع دارد، نادرستی است. الف. \* علی از رئیس دانشکده، اما مریم از مدیر گروه خواهش کردند که به مسئله رسیدگی کنند. فعل جمع نشان می‌دهد که یک ضمیر انتزاعی جمع فاعل بند درونه‌ای هم‌پایهٔ دوم است که عنصر مشترک بین هم‌پایه‌ها به‌شمار می‌رود. در این جمله، یک ضمیر انتزاعی جمع با دو ناظر مجزا وجود دارد. نادرستی بودن این مثال نشان می‌دهد که اشراف چندگانه در اشتقاق این‌گونه جملات دخیل نیست. از آنجا که در زبان فارسی این امکان وجود دارد که به‌دلیل احترام، فعل را با وجود فاعل مفرد در جمله به‌صورت جمع به‌کار بریم، مثالی از گونهٔ غیررسمی ارائه کردیم تا از صورت جمع معنای احترام برداشت نشود.

#### 52. polarity

### ۸. منابع

- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۹۰). *ویرایش زبانی: برای زبان نوشتاری فارسی امروز*. تهران: نشر قطره.

### References:

- Abbott, B. (1976). "Right node raising as a test for constituenthood". *Linguistic Inquiry* 7. pp. 639-642.
- Abels, K. (2004). "right node raising? Ellipsis or ATB movement?" In Keir Moulton, A. M. W. E. (Ed.) *Proceedings of the 34th North East Linguistics Society*. GLSA Publication, Umass, Amherst.
- Alzaidi, M.S. (2010). *Gapping and Right node Raising: An LFG Approach*. M.A. Thesis. University of Essex.
- An, D.H. (2007). *Syntax at the PF Interface: Prosodic Mapping, Linear Order, and Deletion*. Ph.D. Dissertation. University of Connecticut.

- Arjang, Gh. (2012). *Edit Language: For Today Persian Language*. Tehran: Qatreh [In Persian].
- Barros, M. & L. Vicente (2011). "Right node raising requires both ellipsis and multidominance". In Friedman (ed.) *UPenn Working Papers in Linguistics* 17(1). pp. 1-19.
- Bošković, Ž. (2004). "Two notes on right node raising". In *University of Connecticut Working Papers in Linguistics* 12, ed. Miguel Rodriguez Mondoneda and M. Emma Ticio, 13-24. Department of Linguistics, University of Connecticut, Storrs.
- Carlson, G. (1987). "Same and different: Some consequences for syntax and semantics". *Linguistics & Philosophy*. 10. pp. 531-565.
- Duman, B. (2003). *Right Node Raising & Turkish*. MA Thesis. Tilburg University.
- Ha, S. (2006). "Multiple dominance can't, but ellipsis can account for right node raising". In *Proceedings of the Chicago Linguistics Society (CLS)* 42. Chicago: Chicago University Press.
- Ha, S. (2007). "Contrastive focus: Licensor for right node raising". *Proceedings of the 37th North East Linguistic Society*. GLSA. Amherst, Umass.
- Hartmann, K. (2000). *Right Node Raising and Gapping: Interface Conditions on Prosodic Deletion*. John Benjamins, Amsterdam, The Netherlands.
- İnce, A. (2009). *Dimensions of Ellipsis: Investigations in Turkish*. Ph.D. Dissertation. University of Maryland, College Park.
- Jackendoff, R. (1977). *X-bar Syntax*. Cambridge: MIT Press.
- Kluck, M. (2007). "The perspective of external remerge on right node raising". *Proceedings of CamLing*, pp. 130-137.
- McCawley, J. (1982). "Parentheticals and discontinuous constituent structure". *Linguistic Inquiry* 13. pp. 91-106.
- Neijt, A. (1979). *Gapping: A Contribution to Sentence Grammar*. Dordrecht:Foris.
- Postal, P. (1974). *On Raising*. MIT Press, Cambridge, Massachusetts.

- Postal, P. (1998). *Three Investigations of Extraction*. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Ross, J.R. (1967). *Constraints on Variables in Syntax*. Ph.D. Dissertation. MIT. [Published as *Infinite Syntax!* Norwood, N. J.: Ablex (1986)].
- Sabbagh, J. (2007). "Ordering and linearizing rightward movement". *Natural Language & Linguistic Theory*. 25. pp. 349-401.
- Wexler, K., and P. Culicover. (1980). *Formal Principles of Language Acquisition*. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Wilder, C. (1995). "Some properties of ellipsis in coordination". *Geneva Generative Papers* 2:23–61. Also in A. Alexiadou and T. A. Hall (eds), *Studies on Universal Grammar and Typological Variation*. Amsterdam: Benjamins. pp. 59–107.
- Wilder, C. (1999). "Right node raising and the LCA". In *Proceedings of WCCFL 18*, ed. by Sonja Bird, Andrew Carnie, Jason D. Haugen and Peter Norquest. pp. 586-598.
- Wilder, C. (2008). "Shared constituents and linearization". In *Topics in Ellipsis*, ed. by Kyle Johnson. pp. 229-258.
- Wyngaerd, G. Van den. (2007). *Gapping Constituents: a Revised Version of 1998 Version*. Ms. FWO/KU Brussel, available at
- <http://lirias.hubruessel.be/handle/123456789/2332>.